

مقدمه

در قانون مطبوعات جمهوری اسلامی ایران، هیچ تفاوتی بین مطبوعات کودک و نوجوان و مطبوعات بزرگسال وجود ندارد. از نظر قانون مطبوعات، مطبوعات چه برای کودکان و نوجوانان باشد و چه برای بزرگسالان، یک تعریف دارد. ناکفته پیداست که در این قانون، تفاوت‌های بزرگسالان و کودکان نادیده گرفته شده و از کودکان حمایت جدی به عمل نیامده است.

شاید در بعضی از کشورهای دیگر نیز، قانون مطبوعات فاقد موادی باشد که مفاد آن به طور صریح به مطبوعات کودک و نوجوان مربوط باشد، اما در بعضی کشورها، سازمان‌هایی تشکیل شده است که از کودکان و نوجوانان حمایت می‌کنند و با آن دسته از اطلاعات و مطالب رسانه‌های جمعی که به سعادت کودکان و نوجوانان آسیب می‌رسانند، به مبارزه می‌پردازند.

علی اصغر سیدآبادی

قانون مطبوعات و حقوق کودکان

علی اصغر سیدآبادی،
 بچه روستایی
 سیدآباد سبزوار،
 کارشناس
 ارتباطات اجتماعی
 گرایش روزنامه‌نگاری
 از دانشگاه
 علامه طباطبایی
 است.
 به همین دلیل،
 به مباحث نظری
 در روزنامه‌نگاری
 در کودکان و نوجوانان
 دلبستگی دارد
 و در این
 موضوع
 چند مقاله نیز
 از او خوانده‌ایم.
 سیدآبادی،
 طرح انتشار
 سالنامه مطبوعات
 کودکان و نوجوانان
 را برای
 اولین بار
 در خانه
 روزنامه‌نگاران جوان
 پی ریخت
 و نخستین شماره
 از آن را
 با سید علی

کاشفی خوانساری
 منتشر کرد.
 او برای بچه‌ها
 شعر هم می‌گوید؛
 کتاب شعری
 از او منتشر شده
 و دو کتاب شعر
 دیگر هم
 در دست انتشار
 است.
 سیدآبادی
 همچنین
 در نقد شعر هم
 دستی دارد
 و یکی از نقدهایش
 در اولین
 جشنواره مطبوعات
 کانون پرورش فکری
 کودکان و نوجوانان
 برگزیده شد

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی



ضرورت بازنگری در قانون مطبوعات با تأکید بر حقوق فراموش شده کودکان، بیان شود.

با استناد به قانون مدنی

به تعریف ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی، نگهداری و حضانت اطفال، هم حق و هم تکلیف پدر و مادر است. حق است زیرا به مناسبت نسبتی که با طفل دارند، بیش از

ممکن است به نظر گروهی، بحث در این باره هنوز ضرورت نداشته باشد، اما آیا قوانین همیشه باید بعد از به وجود آمدن جرایم، نوشته شوند؟ آیا نمی‌شود با انجام پیش‌بینی‌های لازم، از قوانین به عنوان وسیله‌ای برای پیشگیری استفاده کرد و نه وسیله‌ای برای درمان؟ ضمن اینکه تا وقتی ملاک، معیار و ضوابطی در بین نباشد، چگونه می‌توان دریافت که هر نشریه دارای مطالب و اطلاعات مفید و مناسب است یا نه؟

به هر حال شایسته است که قانون مطبوعات جمهوری اسلامی ایران به طور جدی و خاص، به حمایت از کودکان و نوجوانان بپردازد.

در این مقاله سعی شده است تا با استناد به قوانین مدنی و نیز ویژگیهای دوره نوجوانی و همچنین کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک،



● در این مقاله، هر جا سخن از کودک به میان آمده، منظور افراد انسانی زیر هجده سال و منظور از نوجوان، کودکان دوازده تا هجده ساله بوده است.

۱. عبادی، شیرین؛ حقوق کودک، ص ۲۴، نشر روشنگران، ۱۳۶۹.
۲. امامی، دکتر سید حسن؛ حقوق مدنی، جلد پنجم، ص ۱۸۸.
۳. عبادی، شیرین؛ حقوق کودک؛ ص ۲۴، نشر روشنگران، ۱۳۶۹.
- ۴ و ۵. عبادی، شیرین؛ حقوق کودک، ص ۱۴۷ - ۱۴۶، نشر روشنگران، ۱۳۶۹.
۶. ماده ۲۹ کنوانسیون حقوق کودک:
۱. کشورهای طرف کنوانسیون موافقت می‌کنند که موارد ذیل باید جزو آموزش و پرورش کودکان باشد: الف - پیشرفت کامل شخصیت، استعداد و تواناییهای ذهنی و جسمی کودکان؛ ب - توسعه احترام به حقوق بشر و آزادیهای اساسی و اصول مستخرج در منشور سازمان ملل؛ ج - توسعه احترام به والدین کودک، هویت فرهنگی و زبان و

هر کس دیگری به او نزدیک هستند و کسی نمی‌تواند بدون مجوز قانونی این حق را نادیده بینگارد و به آن تجاوز کند. تکلیف است زیرا پدر و مادری که فرزندی را به دنیا آورده‌اند، در قبال طفل خود مسئول و مکلف به انجام وظایفی هستند که اهم آن «حضانت» است^(۱).

معنای نگاه‌داری اطفال عبارتست از: «به کار بردن وسایل لازم برای ارتقا و نمو و بهداشت جسمی و روحی طفل»^(۲) در واقع نگاه‌داری اطفال، برآورده کردن تمام نیازهای کودک برای رشد جسمی و ذهنی او را شامل می‌شود. به بیانی دیگر، تربیت کودک هم جزو حضانت و نگاه‌داری از طفل به شمار آمده است.

در ماده ۱۱۷۸ قانون مدنی آمده است: «ابوین، مکلف هستند تا در حدود توانایی خود، به تربیت اطفال خویش برحسب مقتضای اقدام کنند و نباید آنها را مهمل بگذارند».

یکی از متخصصان حقوق کودک، تربیت طفل را این‌گونه تعریف کرده است: «آموختن آداب و سنن اجتماعی، اخلاقی و مذهبی متناسب با محیط خانوادگی کودک و کوشش در یاد دادن علم و صنعت و یا حرفه‌ای متناسب با زمان و مکان و وضعیت اجتماعی طفل، به نحوی که کودک بتواند به وسیله آن در اجتماع کاری مفید به دست آورد و زندگی خود را در رفاه بگذراند»^(۳).

امروزه، با توجه به پیچیدگی زندگی، تربیت را که قبلاً از کارکردها و وظایف «نهاد خانواده» به شمار می‌آمد، دیگر نمی‌توان تنها به این نهاد واگذار کرد. البته روشن است که دلیل این امر ناتوانی نهاد خانواده از تربیت کودک در دنیای امروز است. به همین علت، با توجه به نیازهای این عصر، نهادهای دیگری افزون بر نهاد خانواده، مسئول تربیت کودک هستند. اگر در گذشته «آموزش و پرورش» هم یکی از دیگر کارکردهای نهاد خانواده به شمار می‌آمد، امروزه خود نهادی مستقل است. مطبوعات نیز از دیگر نهادهایی است که به تناسب نیازهای

عصر جدید به وجود آمده است. مطبوعات ویژه کودکان و نوجوانان، در واقع بخشی از کارکردهای نهاد خانواده را برعهده دارند. امروز هیچ کسی نیست که به کلی منکر نقش مطبوعات در رشد ذهنی کودکان و نوجوانان باشد و آن را در تربیت کودکان و نوجوانان مؤثر نداند. از این دید می‌توان گفت بخشی از تکلیف و حق والدین در حضانت و نگاه‌داری طفل، با مجوز قانونی برعهده مطبوعات ویژه کودک و نوجوان نهاده شده است.

از سویی دیگر، ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی تصریح دارد که: «هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست، صحت جسمانی یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می‌تواند به تقاضای اقربای طفل، یا به تقاضای قیم او، یا به تقاضای مدعی العموم، هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند، اتخاذ کند».

اگر بپذیریم که مجوز قانونی انتشار مطبوعات کودک و نوجوان، واگذاری بخشی از حق و تکلیف والدین در حضانت و نگاه‌داری کودک و نوجوان است، این ماده در مورد این نوع مطبوعات هم مصداق خواهد داشت. به بیانی دیگر، اگر مطبوعات کودکان و نوجوانان به هر دلیلی باعث به خطر افتادن صحت جسمانی و تربیت اخلاقی کودک شوند، محکمه می‌تواند هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی است، اتخاذ کند.

۲

با استناد به کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک

در این کنوانسیون تصریح شده است که: «کودک به خاطر نداشتن رشد کافی و کامل فیزیکی و ذهنی، نیازمند مراقبت و حمایتی از جمله حمایت‌های مناسب حقوقی

قبل و بعد از تولد است» (۴) بر طبق ماده یک این کنوانسیون، منظور از کودک، افراد انسانی زیر ۱۸ سال است، مگر اینکه بر طبق قانون، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود (۵). در قانون مدنی کشور ما نیز این سن به طور دقیق روشن نشده است. اگر بلوغ را مرز بین کودکی و بزرگسالی بدانیم، فقط پسران زیر ۱۵ سال و دختران زیر ۹ سال، کودک به شمار خواهند آمد. اگر «رشید بودن» را مرز به شمار آوریم، این سن بسته به توانایی‌های ذهنی و جسمی هر فردی تغییر می‌کند، اما به نظر می‌رسد که با توجه به پیچیدگی‌های زندگی امروزی و توانایی‌های یک فرد ۹ یا ۱۵ ساله، همان ۱۸ سالگی مرز درستی باشد؛ البته این در صورتی است که تقسیمات جزئی‌تری مثل نوجوانی و جوانی را نادیده بگیریم. به هر حال، کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک، افراد زیر هجده سال را محتاج مراقبت می‌داند.

بر اساس چند ماده این کنوانسیون، می‌توان نتیجه گرفت که مطبوعات و ویژه کودکان و نوجوانان نیاز به قوانین خاصی دارد. در این میان، ماده ۱۷ با صراحت بیشتری بیانگر این ضرورت است: «کشورهای طرف کنوانسیون، به عملکرد مهم رسانه‌های گروهی واقف بوده و دسترسی کودک را به اطلاعات و مطالب از منابع گوناگون ملی و بین‌المللی و خصوصاً مواردی که مربوط به اعتقالات رفاه اجتماعی، معنوی یا اخلاقی و بهداشت جسمی و روحی وی می‌شود، تضمین می‌کنند. در این زمینه، کشورهای طرف کنوانسیون اقدامات زیر را به عمل خواهند آورد:

الف - تشویق رسانه‌های گروهی به انتشار اطلاعات و

مطالبی که برای کودک استفاده‌های اجتماعی و فرهنگی دارد و با روح ماده ۲۹ کنوانسیون مطابقت دارد (۶)؛

ب - تشویق همکاری‌های بین‌المللی به منظور تولید، مبادله و انتشار این‌گونه اطلاعات و مطالب از منابع گوناگون فرهنگی ملی و بین‌المللی؛

ج - تشویق تولید و انتشار کتابهای کودکان؛

د - تشویق رسانه‌های گروهی به منظور توجه خاص به نیازهای آموزش زبانی کودکانی که به گروه‌های اقلیت تعلق دارند و یا بومی هستند؛

ه - تشویق توسعه رهیافتهای مناسب به منظور حمایت از کودک در برابر اطلاعات و مطالبی که به سعادت وی آسیب می‌رساند؛ با توجه به مفاد مواد ۱۲ و ۱۸ کنوانسیون»

نیاز به کنترل قانونی مطبوعات کودک و نوجوان و در اصطلاح کنوانسیون «توسعه رهیافتهای مناسب به منظور حمایت از کودک در برابر اطلاعات و مطالبی که به سعادت وی آسیب می‌رساند» در این ماده به قدری روشن و صریح بیان شده است که نیازمند هیچ توضیحی نیست، اما قبل از نقل مفاد ماده‌های ۱۲ و ۱۸ کنوانسیون، بیان این نکته خالی از فایده نیست که در جوامع مختلف، سعادت تعاریف متفاوتی دارد و به تبع آن، اطلاعات و مطالبی که به سعادت کودک آسیب می‌رساند نیز متفاوت خواهد بود. حتی ممکن است در بسیاری از کشورها، از این ماده به عنوان دستاویزی برای رعایت مصالح سیاسی حکومتها استفاده شود.

آنچه از ماده ۱۸ کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک، به بحث ما مربوط می‌شود این

در قانون مطبوعات جمهوری اسلامی ایران، هیچ تفاوتی بین مطبوعات کودک و نوجوان و مطبوعات بزرگسال وجود ندارد. ناگفته پیداست که در این قانون، از کودکان حمایت جدی به عمل نیامده است.



→ ارزشهای ادبی و ملی کشوری که در آن زندگی می‌کند، به موطن اصلی کودک و تمدنهای متفاوت با تمدن وی؛
 د - آماده کردن کودک برای داشتن زندگی مسئولانه در جامعه‌ای آزاد و با روحیه‌ای [مسلو] از تفاهم، صلح، صبر، تساوی زن و مرد و دوستی بین تمام مردم، گروه‌های قومی، مذهبی، ملی و اشخاص دیگر؛
 ه - توسعه احترام نسبت به محیط طبیعی.
 ۲. از هیچ‌یک از بخشهای این ماده و ماده ۲۸ نباید چنین تعبیر شود که مداخله‌ای است در آزادی افراد و ارگانها برای تأسیس و اداره مؤسسات آموزشی که همواره بر طبق اصول ذکر شده در پاراگراف این ماده و با شرط ارائه آموزش مطابق با استاندارد ذکر شده توسط دولت ایجاد می‌شوند.

است که: «... اساسی‌ترین مسئله، منافع عالیة کودک است.»
ماده ۱۳ نیز بیان می‌دارد که: «۱. کودک دارای حق آزادی ابراز عقیده است. این حق شامل آزادی جستجو، فعالیت و رساندن اطلاعات و عقاید از هر نوع، بدون توجه به مرزها، کتبی یا شفاهی یا چاپی، به شکل آثار هنری یا از طریق هر رسانه دیگر به انتخاب کودک است.»

۲. اعمال این حق ممکن است منوط به محدودیتهایی خاص باشد، ولی این محدودیتها فقط منحصر به مواردی است که بر قانون تصریح شده و ضرورت دارند مانند:

الف - برای احترام به حقوق و آبروی دیگران؛

ب - برای حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی و یا به خاطر

سلامت عمومی و مسایل اخلاقی.»

در اینکه موارد یاد شده، نیاز به تدوین قوانین خاصی را برای مطبوعات کودکان و نوجوانان بیان می‌کند شکی نیست، اما این مواد فقط کلیات را دربر دارند. از آنجا که برداشتها و تعریفها در هر جامعه‌ای بر اساس شرایط اجتماعی، سیاسی و مذهبی آن جامعه صورت می‌گیرد، برای استخراج قوانینی متناسب با شرایط کشورمان در این زمینه، باید از مفاهیم کلیدی این مواد تعریفی کلی به دست داد. بدیهی است که حمایت از کودکان و نوجوانان در برابر مطالب و اطلاعاتی که به سعادت آنها آسیب می‌رساند، به بازنگری قانون مطبوعات از این دیدگاه نیازمند است.

۳

با توجه به ویژگی‌های دوره نوجوانی

یکی از روان‌شناسان بلوغ گفته است:

«شکل‌پذیری هدفها و نقشه‌های زندگی را در این مرحله [دوره نوجوانی] نمی‌توان تنها محدود به انتخاب یک حرفه دانست، بلکه شامل مفهوم کلی فلسفه زندگی و توجه به آینده است؛ در حالی که کودک بیشتر در زمان حال زندگی می‌کند و نوجوان دید زمانی یا زمان فکری خود را با سرعت به سوی آینده و گذشته (هر دو سو) گسترش می‌دهد. او به خود، به صورت یک واحد جامع در حال رشد می‌نگرد که هر تجربه‌ای در او جذب شده و جزئی از واحد کل وجود منحصر به فرد وی می‌شود و هر تجربه، بر تحول آینده او مؤثر واقع می‌شود.»^(۷)

از سوی دیگر، دیرزمانی است که هیچ کودکی از گزند ارتباطات رسانه‌ها در امان نیست^(۸) و ارتباطات رسانه‌ها به عنوان بخشی از تجارب کودک و نوجوان در آینده او تأثیر می‌گذارد. از آنجا که کودکان با بزرگسالان تفاوت‌های فاحشی دارند، تأثیر رسانه‌ها و بخصوص مطبوعات نیز بر آنها متفاوت است. متخصصان حقوق جزا و روان‌شناسان کیفری، نبود تعلیم و تربیت صحیح را به عنوان یکی از عوامل بزهکاری کودکان معرفی کرده‌اند^(۹). بنابراین، مهمترین نقش مطبوعات کودک و نوجوان می‌تواند نقش تربیتی آنها باشد. خوشبین‌ترین کارشناسان نقش رسانه‌ها در بزهکاری، بر این عقیده‌اند که: «وسائل ارتباط جمعی، اغلب به تشدید تعاملات موجود در مردم (خواه تمایل به ثبات و بقای سلیقه‌ها و اعتقادات و یا تمایل به دگرگونیهای مختلف) می‌انجامد، نه ایجاد بزه.»^(۱۰) اما این نظریه در مورد رسانه‌های ویژه کودکان و نوجوانان به گونه‌ای دیگر است.

در فرانسه، کلی‌ترین قاعده در این زمینه، چه در سینما و تلویزیون و چه در مطبوعات،

۷. دکتر شرفی، محمدرضا؛ دنیای نوجوان، ص ۳۹۹، به نقل از اشپرانگر، نشر تربیت.
۸. رویش شماره ۴ آبان ۱۳۷۲، ویژه‌نمایشگاه بین‌المللی تصویرگران کتاب کودک، مسأله زیبایی‌شناسی فقر، قحطی و آوارگی در تصاویر کتابهای کودکان، نوشته پروفسور جینز تیلر، مترجم: هادی تقوی.
۹. عبادی، شیرین؛ حقوق کودک، ص ۱۱۲ - ۱۱۳، نشر روشنگران، ۱۳۶۹.
۱۰. ژان کازانو، جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی، ترجمه دکتر باقر ساروخانی و دکتر منوچهر محسنی، ص ۴۵-۴۶، انتشارات اطلاعات، چاپ سوم، ۱۳۷۰.

مطبوعات ویژه کودکان و نوجوانان، در واقع بخشی از کارکردهای نهاد خانواده را برعهده دارند.



آیا قوانین همیشه باید بعد از به وجود آمدن برایم نوشته شوند؟

این است که باید به منظور حمایت از کودکان و نوجوانان، برنامه‌هایی خاص برای آنان با توجه به مقاطع سنی و خصایص کم و بیش زودرس اکثریت آنها، تهیه شود. عقیده عمومی بر این واقعیت استوار است که به عنوان مثال، نمایش صحنه‌های منافی عفت می‌تواند تأثیری درازمدت بر کودکان بگذارد و زندگی جنسی آنان را در جهتی خاص هدایت کند. حال آنکه این نوع صحنه‌ها فقط اثرات تقویتی بر بزرگسالان دارند^(۱۱).

حتی اگر بر این باور باشیم که تأثیر وسایل ارتباط جمعی بر مخاطبان نوجوان نیز فقط به تشدید تمایلات موجود در آنها می‌انجامد، باز هم ضرورت کنترل قانون‌مند مطبوعات کودک و نوجوان، آشکارا احساس می‌شود چرا که دوره نوجوانی با تمام ویژگی‌های خاص این دوره، چنین کنترلی را می‌طلبد. دوره نوجوانی در زندگی انسان به عنوان دوره‌ای بسیار مهم شناخته شده است، زیرا شخصیت واقعی انسان در این دوره شکل می‌گیرد و آینده و سرنوشت انسان، بستگی عمیقی به دوره نوجوانی او دارد. نتایج تحقیقات متعدد ثابت کرده است که ریشه بسیاری از کج رویها و بزهکاریها در دوره نوجوانی قوام می‌یابد^(۱۲).

نوجوان از نظر عاطفی، شخصیتی به ثبات دارد و دچار خواهشهای متضاد و احساسهای افراطی می‌شود. در واقع، ماجراجویی است که به همه سنتها و کلیشه‌های ثابت زندگی می‌تازد و می‌خواهد در شیوه زندگی خانواده خود، تغییراتی دلخواه خود ایجاد کند. نوجوان، دچار

سرگشتگی است و جایگاهی مبهم دارد^(۱۳). در این دوره سنی، از سویی گرایشهای مذهبی رشد می‌یابد و از سوی دیگر شکهای مذهبی، نوجوان، به شدت احساساتی است؛ هم زمینه ارتکاب جنایت و کج روی دارد و هم زمینه تعالی اخلاقی. به هر حال این دوره سنی، دوره‌ای است مسئله‌آفرین و نوجوان همچون خرمنی است که برای شعله‌ور شدن فقط به جرقه‌ای کوچک نیاز دارد^(۱۴).

به دلیل همین ویژگی‌هاست که نوجوان از بزرگسال جدا می‌شود. بزرگسال، با هر مطلب و تصویری عاقلانه و منطقی برخورد می‌کند، اما نوجوان اگرچه از نیروی استدلال و منطق تقویت شده‌ای برخوردار است، هنوز نمی‌تواند تحلیلی کاملاً درست و منطقی از همه مسائل داشته باشد و درباره هر موضوعی، تصمیمی صحیح و عاقلانه بگیرد^(۱۵). به همین دلیل است که مطالب و تصاویری که هیچ تأثیری بر بزرگسالان نمی‌گذارند، ممکن است نوجوان را حتی به ارتکاب جنایت وادارند.

نوجوان، شدیداً به قهرمان‌پرستی و همانندسازی از روی الگوی قهرمان داستان یا فیلم (هم‌ذات‌پنداری) گرایش دارد. او به بعضی از ستارگان ورزشی، سینمایی و غیره، به شدت دل می‌بندد و در ذهن خود از او بتی بسی‌نقص و دلخواه می‌سازد. هر مطلب یا تصویری از او - حتی در باره این بت ذهنی - نوجوان را به شدت تحریک می‌کند. اگر نشریه‌ای از داوری سخن بگوید که درباره ستاره ورزشی محبوب او ظلمی روا داشته و یا



کارشناسان نقش (رسانه‌ها در بزهکاری، بر این عقیده‌اند که: «وسایل ارتباط جمعی، اغلب به تشدید تمایلات موهوم در مردم می‌انجامد، نه ایجاد بزه.» اما این نظریه در مورد رسانه‌های ویژه کودکان و نوجوانان به گونه‌ای دیگر است.

مطبوعاتی که خوانندگان آنها بزرگسالان هستند، تفاوت‌های عمیقی دارد.

به هر حال، نیاز به بازنگری در قانون مطبوعات با توجه و تأکید بیشتر بر حقوق کودکان، امری ضروری است و در این قانون باید: مطبوعات، رسالت مطبوعاتی، حدود مطبوعات، جرایم مطبوعاتی و... بر اساس حساسیتها و ویژگیهای کودکان و نوجوانان و حقوق آنان تعریف شده و ملاکها و معیارهای صریح و روشنی در این زمینه ارائه شود.

- در نوشتن این مقاله، علاوه بر کتابهای یاد شده، از منابع زیر نیز استفاده شده است:
- ۱. مجموعه قوانین و مقررات مطبوعاتی، تدوین حمید مقدم، انتشارات اوحدی مراغه.
- ۲. تاریخ مجلات کودکان و نوجوانان (چ اول)، گردآوری و تدوین منصور حسین‌زاده، ناشر: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه.
- ۳. کودکان و دنیای کتابهای کودکان (گزارشی از بیستمین کنفرانس دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان)، مترجم علی‌اکبر مهرافشا، ناشر: انجمن اولیا مربیان جمهوری اسلامی ایران.
- ۴. مجموعه قوانین اساسی و مدنی، ناشر جهاد دانشگاهی.
- ۵. ارزیابی کتابهای کودکان در کشورهای رو به رشد، نوشته آن پلوسکی، ترجمه دکتر امیر فرهمندپور.

حق او را تباه کرده باشد، نوجوان ممکن است در خیال خود تا سرحد قتل داور نیز پیش برود و حتی اگر امکان آن به سادگی فراهم باشد، عملی کردن این ذهنیت توسط او، چندان هم دور از انتظار نیست.

بی‌شک در بسیاری از حوادث ورزشگاهی که در طول سال اتفاق می‌افتد و نوجوانان در آنها حضوری پررنگ و خشن دارند، بعضی از نشریات بی‌تأثیر نیستند.

پروفسور «برودیک» در سمپوزیوم انجمن روان‌شناسی امریکا، مقاله‌ای تحت عنوان «رسانه‌های جمعی ابزاری برای اجتماعی کردن» ارائه کرد. وی در این مقاله، به تحقیقی اشاره کرده بود که میزان خشونت کودکان تحت آزمایش پس از مطالعه یک کتاب مصور، به مقدار قابل ملاحظه‌ای بالا رفته بود. در داستانی که این اطفال مطالعه می‌کردند، قهرمان بد توانسته بود از عواقب کارهای زشت و نامناسب خود در امان بماند و تنبیه نشود. با این همه، آزمایش‌شونده‌ها معیارهای قبلی خود را در مورد رفتار خوب و بد از دست نداده بودند (۱۶).

با توجه به آنچه که درباره ویژگیهای دوره کودکی و نوجوانی گفتیم، خیلی از مطالبی که در بزرگسالان تأثیری ندارد، به ایجاد تنشهایی در نوجوانان می‌انجامد و به همین دلیل به نظر می‌رسد که جرم مطبوعاتی در نشریاتی که مخاطبانشان کودکان هستند، با جرایم

۱۶. دکتر رشیدپور، راهبیم، تلویزیون و کودکان، ص ۵۶، پژوهش.